

شب از نیمه گذشته بود که کسی آرام در خانه را به صدا درآورد. از طرف بیت امام آمده بود. آقای مصباح اعلامیه امام را گرفت و به راه افتاد. باید اعلامیه را به چاپخانه می‌رساند. کارگری که در چاپخانه می‌خوابید، نصف شب آن را حروفچینی می‌کرد و بعد مخفیانه لابه‌لای چیزهای دیگر چاپ می‌کرد، اما همه این‌ها برای رسیدن به هدف کافی نبود. در این میان، بعضی از فضلا به فکر افتادند که مسائل نهضت امام را در قالب نوشته درآورند و عرضه کنند که حاصل آن تولد نشریه «بعثت» بود. نشریه بعثت، نشریه‌ای به نام دانشجویان حوزه علمیه قم و بیانگر اهداف و آرمان‌های نهضت روحانیت بود که چون شروعش مقارن با مبعث حضرت رسول بود، اسمش را بعثت گذاشتند. مسئول تکثیر و توزیع نشریه سید محمود دعایی بود. مرحوم ربانی شیرازی، آقای حاجتی کرمانی و آقای سید هادی خسروشاهی از دیگر اعضای اصلی نشریه بودند. مقالات بنیادی و تئوریک آن را آیت‌الله مصباح و شهید باهنر می‌نوشتند و جمع‌آوری اخبار و تحلیل‌های سیاسی به عهده آقایان رفسنجانی، حاجتی کرمانی و خسروشاهی بود.

دعوت‌کننده به خدا را اجابت کنید

سیده عذرا موسوی

آیت‌الله مسعودی خمینی که بعداً به گروه بعث ملحق شدند، در خاطرات خود از این نشریه می‌گویند «در آن ایام، هر شب در منزل یکی از آقایان جلسه داشتیم. در آن جلسات بنا شد برای این که اعضا نسبت به مسائل کشور آگاهی داشته باشند، روزنامه‌های کثیرالانتشار تهیه و مطالعه شود. در آن مقطع برخی از افراد خواندن روزنامه را حرام می‌دانستند. از دیگر تصمیمات جلسه این بود که یک دستگاه رادیوی کوچک خریداری شود تا مورد استفاده قرار گیرد. تا پیش از آن، هیچ یک از ما رادیو نداشتیم و اساساً نگهداری این وسیله حرمت داشت. رادیو تهیه شد و هر پنج شب در اختیار یکی از اعضا بود. بنا بود که حتی خانواده‌هایمان از ماجرا خبردار نباشند. گوش کردن ایستگاه‌های سخن‌پرانی مختلف مانند بی‌بی‌سی و مونت کارلو، به عهده هر یک از ما نهاده شده بود. برای تسهیل امور، تقسیم کار کرده بودیم و هر عضو بعد از استماع ایستگاه مربوطه، خلاصه مطالب آن را به جلسه ارائه می‌کرد.»

ولی از آن‌جا که بیوت بعضی مراجع غیر از امام در این نشریه سهیم بودند، آیت‌الله مصباح در همکاری با آن احساس آزادی کامل نمی‌کرد و رعایت برخی مسائل، دست و پا را می‌بست. مشکلات نشریه بعثت موجب شد تا استاد به فکر تأسیس نشریه‌ای مستقل بيفتد که تنها علاقه‌مندان حضرت امام در آن مشارکت داشته باشند و ملاحظات دیگری در دستور کار نباشد. بر این اساس، دستگاه تکثیر دیگری تهیه و نشریه «انتقام» به مدیریت و مسئولیت آقای مصباح تأسیس شد. اولین شماره نشریه در ۲۹ آذر ۱۳۴۳ منتشر شد. از مطالب مندرج در انتقام، بخشی به اخبار اختصاص داشت. چون اخبار مبارزه در رسانه‌های بیرون سانسور می‌شد، جریانات مختلف مبارزه در انتقام به صورت اخبار درج می‌شد. بخش دیگر، تحلیل‌های سیاسی روز بود، ولی آنچه بیش‌تر مورد توجه بود مسائل روحانیت و اسلام بود که در این زمینه نیز تحلیل‌هایی وجود داشت. بخشی نیز به بحث‌های ایدئولوژیک در زمینه مسائل مبارزه اختصاص یافته بود.

نشریه انتقام در ایجاد امید و نشاط میان قشر متدینی که به مبارزه علاقه نشان می‌دادند، نقش بسزایی داشت، زیرا این نشریه با واسطه‌هایی برای رادیوهای خارجی فرستاده می‌شد و آنها از مطالب نشریه نقل قول می‌کردند.

حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی در مقدمه کتاب «انتقام» در صفحات ۴-۲ می‌نویسد «در واقع استاد مصباح، همه کارهای نشریه انتقام را به تنهایی انجام می‌دادند و این علاوه بر همکاری صمیمانه ایشان با نشریه بعثت و نوشتن مقالات برای آن و یا شرکت در بعضی از جلسات آن در زمان انتشار بود.»

آیت‌الله مصباح در این‌باره می‌گویند: «تقریباً بدون مبالغه، ۹۰ درصد کل زحمات (نشریه) به عهده خود بنده بود. برای ماشین‌نویسی‌اش غالباً از بستگان خودمان استفاده می‌کردیم. بعد تکثیر، تنظیم و توزیعش را خودم انجام می‌دادم. تکثیرش

را مدتی در تهران در زیرزمین منزل پدرم انجام می‌دادیم و مدتی هم در خود قم انجام می‌دادیم. وقتی قم بودم، خودم نشریات را برمی‌داشتم، می‌بردیم تهران، به مراکز توزیع می‌رساندم و هیئت‌های مؤتلفه توزیع می‌کردند. این نشریات در بین اعضای هیئت مؤتلفه به فروش می‌رسید و پولش را برای شماره بعد به ما برمی‌گرداندند. بخشی از آن نیز در میان طلاب توزیع می‌شد.»

بعد از قتل منصور، هیئت‌های مؤتلفه لو رفتند و عده‌ای از آنها محکوم شدند. چند نفر به حبس‌های طولانی و مرحوم صادق امانی، محمد بخارایی و دو نفر دیگر اعدام شدند. فشار دستگاه به قدری شدید شد که حتی کسانی که با اشتیاق نشریه را می‌خریدند، نه حاضر شدند و نه می‌توانستند نشریه را دریافت کنند. این بود که فعالیت نشریه کم‌کم محدود و سرانجام تعطیل شد. آخرین شماره نشریه در مهرماه ۱۳۴۴ منتشر شد. سیدهادی خسروشاهی می‌نویسد «استاد مصباح در اثر پنهان‌کاری و عدم تظاهر، کمتر در دید مأمورین ساواک و گزارش‌های آنان بود. ساواک قم در چند گزارش خود، نویسنده این سطور (خسروشاهی) یا علی حجتی کرمانی را از نویسندگان بعثت و انتقام معرفی می‌کند، اما واقعیت غیر از این بود. نه این‌جانب، نه علی حجتی کرمانی نویسندگان انتقام نبودیم، بلکه گزارشگران ساواک، چون نویسنده واقعی آن را نمی‌شناختند و نمی‌یافتند، از روی ناچاری کسان دیگری را در گزارش خود نام می‌بردند تا کمی، بی‌لیاقتی خود را پوشش دهند. ■

قدم‌های مبارزه

یکی از مسائل مهمی که می‌بایست در مبارزه با رژیم طاغوت مدنظر قرار می‌گرفت، طرح حکومت اسلامی جایگزین رژیم ستم شاهی بود، لذا جمعی از بزرگان حوزه، از جمله آیت‌الله مصباح در سال‌های ۴۲-۴۱ با تشکیل گروهی به نام «گروه ولایت» به تحقیق علمی در رابطه با این موضوع می‌پرداختند و دبیری این گروه را آیت‌الله مصباح بر عهده می‌گیرد. ■

تدبیری اندیشیده شده بود که برای انسجام و هماهنگی، کانون‌های قابل دسترسی به وجود بیاید، به این ترتیب جمعی از طلاب و فضلاء استان‌ها با هم جلسه هفتگی داشتند. این ابتکار باعث شده بود تا ضمن رد و بدل شدن اخبار، نقطه‌نظرات هم جمع شده و به کانون اصلی که طبیعتاً در بیت امام یا مکانی فراتر از شهرستان‌ها و جریانات محلی بود، منتقل شود. از کانون هم اخبار و اطلاعات و دستورالعمل‌هایی به این کانون‌ها تزریق می‌شد. این فعالیت‌ها عمده‌تاً زیر نظر هسته‌ای به سرپرستی آیت‌الله ربانی شیرازی، آیت‌الله مصباح‌یزدی و تنی چند از بزرگان بود. ■

برخی از نامه‌ها و اعلامیه‌های حمایت از امام و انقلاب به

انشاء و یا خط آیت‌الله مصباح بود. از آن جمله شکواییه‌ای برای سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر به انگلیسی بود که با دست خط آقای مصباح نوشته شد. این به غیر از ده‌ها اعلامیه بود که به امضای ایشان رسید.

یکی از استاد ساواک درباره فعالیت‌های آیت‌الله مصباح چنین است:

«اخیراً شخصی به نام مصباح که قبلاً مدیر مدرسه حقانی بوده تعداد شش برگ اعلامیه به امضای روحانیون مبارز ایران جهت یکی از دوستانش به تهران ارسال داشته است و خواسته که اعلامیه‌های مذکور در تهران تکثیر و توزیع گردد.»

مسافرت‌های تبلیغی برای تنویر افکار عمومی شهرهای دیگر، درباره مسائل نهضت و ابلاغ پیام انقلاب، کمی قبل از قیام ۱۵ خرداد و هم‌چنین سخنرانی در مسجد آیت‌الله مهدوی‌کنی در خیابان ایرانشهر تهران بخش دیگری از فعالیت‌های سیاسی ایشان را تشکیل می‌داد. ■

از دیگر برنامه‌های استاد که معمولاً در قالب سخنرانی اجرا می‌شد، مبارزه علمی-سیاسی با تفکرات و اندیشه‌های التقاطی بود. آن‌چه که مربوط به مسائل عقیدتی می‌شد در کلاس درس و در خلال مطالب مطرح می‌شد و مسائلی نیز در جلساتی که با مردم داشتند مطرح می‌شد. ■

با هدف هماهنگی و همدستی نیروهای هم‌فکر امام، تعداد محدودی از یاران و شاگردان امام تشکیلاتی به نام «هیئت مدرسین» را شکل می‌دهند. آیت‌الله مصباح به عنوان مسئول بخش تبلیغات این هیئت انتخاب و اساسنامه پر محتوای هیئت را می‌نویسد؛ تشکیلی سیاسی-روحانی که به «گروه یازده نفری» معروف شدند. ■

جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی به دستور حضرت امام با اتحاد هیئت‌های مذهبی تشکیل شد و نماینده‌ای از امام خواستند. امام چند نفر را به عنوان نماینده معرفی کرد. از جمله شهید مطهری و شهید بهشتی که نقش محوری داشتند. گروه‌هایی که زیر نظر شهید بهشتی فعالیت می‌کردند، چهار گروه عمده بودند که مسئولیت هدایت تبلیغی یکی از این گروه‌ها بر عهده آیت‌الله مصباح بود. مسئولیت گروه‌های دیگر با شهید باهنر و آقای خامنه‌ای بود.

ایشان سالیان متمادی برای این گروه اندیشه دینی و حکومت اسلامی را تدریس می‌کردند.

منابع:

۱. محمدتقی اسلامی، زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، (زیر نظر محمود فتحعلی)، قم: پرتو ولایت.
۲. رضا صنعتی، مصباح دوستان، همای غدير.